

ثمره بحث اقتضاء:

۱. بحث از ضد عام، فی حد نفسه ثمره ندارد ولی چون گفتیم که «نهی از ضد خاص» در صورتی که آن

را بپذیریم، وابسته به آن است که ثابت کنیم «ضد عام» هم منهی عنه است.^۱

۲. اما درباره ضد خاص: توجه شود که نهی حاصل از اقتضاء چون نهی غیر است - مطابق قول مشهور -

نمی تواند باعث عقاب و حرمت در ضد خاص شود، لذا بزرگترین ثمره بحث اقتضاء، فساد عباداتی

دانسته شده است که این عبادت در تضاد با واجب اهم قرار گیرد. نحوه استدلال چنین است:

(۱) ازاله نجاست واجب است (و به سبب اینکه واجب فوری است، از صلوة که واجب موسع است،

اهم است)

صلوة ضد خاص ازاله نجاست است.

ضد خاص هر واجبی منهی عنه است.

پس: صلوة منهی عنه است.

(۲) صلوة منهی عنه است.

عبادات منهیّه، فاسد هستند.

صلوة فاسد است.

۳. مرحوم محقق رشتی، ثمرات دیگری را هم بر بحث اقتضاء بار کرده است:

ثمره دوم: حصول عصیان (عقاب و عصیان جدید)

ثمره سوم: حصول فسق (یعنی با تعدد گناه فسق پدید می آید)

ثمره چهارم: لزوم تمام خواندن نماز در سفری که باعث فوت واجب می شود.

ثمره پنجم: نذر که به عدم معصیت تعلق گرفته است.^۲

۱. ن ک: درسنامه سال نهم، ص ۹۰.

۲. بدایع الافکار، ص ۳۸۸.



ما می گوئیم: ایشان البته در بحث مقدمه واجب این ثمرات را رد کرده اند و گفته اند اگر هم قائل به نهی از ضد خاص شویم، این نهی غیری است و باعث عصیان یا حصول فسق نمی شود اما می توان درباره این سخن ایشان گفت که غیری بودن در صورتی است که نهی را از راه واجب به دست آوریم و الا ممکن است بگوئیم اگر نهی ناشی از ملازمه باشد، این نهی نفسی است. (در این باره سخن خواهیم گفت)

مرحوم آخوند ثمره اصلی را چنین تصویر کرده است:

«تظهر الثمرة فى أن نتيجة المسألة و هى النهى عن الضد بناء على الاقتضاء بضميمة أن النهى فى

العبادات يقتضى الفساد ينتج فساده إذا كان عبادة.»^۱



۱. آخوند خراسانی، محمد کاظم بن حسین، کفایة الأصول (طبع آل البيت)، ص ۱۳۳